

خدایا چون با حیرت

خدایا چون، با حیرت خیره شوم
بر این عالم، که تو خود ساخته‌ای
در اختران عظیم و رعد و برق
قدرت خود نمایان کرده‌ای
آنگه ز جان و دل می‌سرایم
چه عظیمی چه عظیمی (۲)

چون بینم درختان سبز و خرم
نوا ی بلبل آید به گوشم
از فراز کوه بینم دشت و چمن
هان صدای نهر نسیم وطن
آنگه ز جان و دل می‌سرایم
چه عظیمی چه عظیمی (۲)

چون فکر کنم خالقم فرزند خویش
دریغ نداشت از آن مرگ پریش
که بر صلیب بهر من فدا گردید
بارگناهان از دوشم غلطید
آنگه ز جان و دل می‌سرایم
چه عظیمی چه عظیمی (۲)